

■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۲۹۰ ■ پنجشنبه ■ ۸ اسفند ۱۳۹۸

ایران

مسابح امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دبیری

اذان ظهر ۷/۱۲ | اذان مغرب ۱۶/۱۸ | نیمه شب شرعی ۳۵/۲۳ | اذان صبح فردا ۱۳/۵ | طلوع آفتاب فردا ۳۶/۶

امام علی علیه‌السلام:

شکرگزاری فراوان و صله رحم، عمر را زیاد می‌کنند و بر مهلت زندگی می‌افزایند.

سخن روز

عیون الحکم والمواعظ (لبنی) ص ۲۷۵، ح ۴۹۹۹



حرکت رو به جلو جشنواره تجسمی فجر در دل رویدادهای ناگوار

جشنواره تجسمی فجر امسال با رویدادهاو حاشیه‌های بسیار روبه‌رو شد. حال‌ام که به‌اختتامیه جشنواره نزدیک شده‌ایم ویروس کرونا به تمام حاشیه‌های پیشین اضافه شده‌است و در نتیجه هم چنان خبری از برگزاری اختتامیه جشنواره نیست. مدیر کل مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در یادداشتی که برای روزنامه ایران نوشت، توضیح می‌دهد که «اگر امسال جشنواره تجسمی فجر آسیب دیده‌است، باید در نظر بگیریم که همه بخش‌های هنر با آسیب جدی روبه‌رو شده‌اند.»

جشنواره تجسمی امسال از خان‌های متعددی گذشت تا به سرمنزل رسید و بارها و بارها حتی شرایطی بر آن عارض شد که حتی برگزاری اش را با اما و اگر مواجه کرده بود. رویدادهایی که بر این جشنواره گذشت هر کدام به تنهایی کافی بود که جشنواره تجسمی امسال یا در نطفه خفه شود یا در نیمه راه باز ماند. اما اراده‌ای وجود داشت

که این جشنواره را به تمام قوا برگزار کنیم و حالا که اراده کرده‌ایم، باید تمام توانمان را بگذاریم. شاید توقع این بود که فقط چراغش روشن باشد اما این خواسته ما نبود. ما برایش جنگیدیم که علاوه بر برگزار شدنش، کیفیت و حرکت روبه جلوی آن حفظ شود. این جشنواره مسیری را از سال گذشته شروع کرد و در آستانه دهه دوم عمرش باید به بازار هنر نزدیک می‌شد و بخش‌هایی مربوط به هنرمندان صاحب امضا بود که اضافه می‌شد وشعاع دایره خودش را باید باترزی می‌کرد و در جامعه بزرگتری

به مناسبت شهادت دهمین اختر تابانک آسمان عصمت و طهارت امام هادی (ع)

استمر از رسالت با صیانت از اصالت های مکتب

سامرا در ابرسیاه کینه و عداوت فرو رفته و وقوع فاجعه‌ای بزرگ قریب‌الوقوع می‌نمود. هم‌پیمانان ابلیس که از جام قدرت سرمست بودند بی آنکه پروای حرمت ماه رجب، که خشونت و خون‌ریزی در آن حرام دانسته شده‌است را داشته باشند، مرتصد فرصتی بودند تا کمر به قتل فرزند رسول خدا(ص) ببندند. همان رسولی که ادعای جانشینی او را داشتند و سکه حکومتشان به اعتبار نام او رواج داشت. عباسیان پس از مقطعی در دوران مأمون که ریاکارانه سعی نمودند تا خود را دوستدار اهل بیت رسول خدا(ص) نشان دهند، بار دیگر در مواجهه با فرزندان رسول خدا(ص) شیوه اعمال خشونت و ترور را در پیش گرفتند. بر این اساس کوتاه زمانی پس از امام جواد(ع) فرزندش امام هادی(ع) را به اجبار از مدینه کوچ داده‌و در سامرا که شهرک مخصوص سپاهیان عباسی بود جای دادند تا برکلیه لحظات آن حضرت(ع) نظارت داشته باشند. آن ایام به‌دلیل انتشار خبر میلاد امام مهدی (عج) از منابع موثق، عباسیان به فراس‌ت دریافته بودند که موضوع و مصداق سقوط طواعت و حکومت‌های ظلم و جور به دست با کفایت حضرت مهدی (عج) آنان خوانده‌بود. از این رو با انگیزه پیشدستی وتغییر درمنشیت الهی درصدد برآمدند تا قبل از تولد آن حضرت، رشته امامت را قطع و به خیال خود کانون تهدید را از بنیان برکنند. لذا در اقدامی شتابزده وبدون دست بازیدن حتی به بهانه‌ای، امام هادی(ع) را بیش از بیست سال در محاصره دائم گرفت و جاسوسانی خانگی بر ایشان

پشت پرده‌های داوری جشنواره ۳۸

نادیده‌گرفتن جواد عز تی، هادی حجازی رو و «آتابای»

مازیار میری: مادوتا اشتباه در داوری کردیم و آن نامزدنشدن جواد عزتی در «شانی پروانه» وهادی حجازی فردر «آتابای» بود که ما این دو نفر را باید نامزد می کردیم و اشتباه کردیم. دلایلش بین ماست اما باید گفت وگویی کردیم و اینهارا نامزد می کردیم.

فریدون جیرانی: متأسفم که «آتابای» جایزه نگرفت

مازیار میری: می‌دونیم چرانگرفت حیف که ماقول و قرار می گذاریم هر آنچه در اتاق هست بسته‌می ماندومن از بعضی داورها لگه‌مندم که بعضی گفت وگوها بیرون آمده‌است.

بخشی از صحبت‌های دو عضو هیأت داوری جشنواره فیلم فجر در «کافه آپارات»

در باب شیوه های مواجهه ما با ناکامی

از رنج بشر تا خلق اثر

رنج، واقعیتی است که همه ما در طول زندگی آن را تجربه می‌کنیم. این امر چنان قطعی و فراگیر است که مکاتب و جنبش‌هایی نیز در طول تاریخ با هدف ارائه نسخه‌ای برای رهایی از این رنج به‌عنوان همراه همیشگی آدمی شکل گرفتند.

رنج را هرچه تعریف کنیم قدر مسلم آن است که چرا که همواره «امر ناموافق با نفس» – به‌قول فارابی – در دنیایی که هیچ چیز آن قطعی نیست به‌وفور وجود دارد. رنج در نگاه ابن سینا هم با نوعی از ادراک ویژه موجود زنده هم‌معناست؛ تا مادامی که «روح از بدن مفارقت نکرده باشد» لا‌اقل در دنیایی که تاکنون کیفیت و ماهیت آن را درک کرده‌ایم؛ دنیایی که اعتباری به آن نیست و هر لحظه باید منتظر واقعه و بلایی آسمانی یا زمینی بود. در چنین دنیایی و با در نظر گرفتن میل ذاتی انسان به ثبات و اطمینان به فردا به‌عنوان شرط حیات سالیان زندگی روی کره زمین، هرآنچه با این میل در تضاد قرارگیرد، احساس رنج و ناکامی در ما به‌وجود می‌آورد و ناکامی قلمروی پهنآوری دارد؛ به قول آلن دو باتن از لگد شدن پا گرفته تا مرگی نابهنگام را می‌توان در این قلمرو جای داد. اوساخ‌تار اساسی ناکامی را تضاد خواسته‌ای با واقعیت بنیادین تعریف می‌کند. در این دنیای بی‌ثبات که هر لحظه واقعه‌ای از گوشه‌ای سر بر می‌آورد و با میل درونی انسان به فراموشی این بی‌ثباتی که خود از هراس مواجهه با وضعیت ناآشنا می‌آید، رنج و ناکامی شاید بیشترین تجربه ما در دنیا باشد. پس

حرف روز

فازنه ماهری

منتقد هنری

نگاهی به داستان «شیلاندر» نوشته نرگس نظیف

در سرز نش ناير ابري

شیلاندر اولین رمان نرگس نظیف است که امسال از سوی «نشر سنگ» به بازار کتاب آمده و پیراز دغدغه‌های زن امروز است. «پرنار ماری کلتس» در نمایشنامه «در خلوت مزارع پنبه» می‌گوید: «شقاوت راستین وترسناک این است که انسان یا حیوان، انسان یا حیوان دیگر را ناتمام بگذارد، که او را همچون سه نقطه در میان جمله‌ای قطع کند، که پس از اینکه او را نگاه کرد، رویش را از او بازگرداند.» این بلایی است که مرد داستان بر سر زنی که ناتوان است، یا ناتوان نگه داشته شده، یا چیزی برساخته از هر دوی این‌ها، می‌آورد. شیلاندر تصویر زندگی یک زن ناتمام است، یا قصه زنان ناتمام. زنانی که نه عاشق، که اسیرند؛ همان چیزی که شخصیت محوری داستان نامش را «نوعی وابستگی شدید و عجیب» می‌گذارد که فردیت خود را در آن فراموش می‌کند. جایگاه یک زن در یک رابطه کجاست؟ چقدر از سوی دیگری اهمیت دارد و چقدر از سوی خود؟ و چه میزان از این وضعیت نابهنجار به انفعال زن برمی‌گردد و چقدر به یک روند دیرپا و تثبیت شده؟ این سوالاتی است که ما در این متن با آن روبه‌رویم. زن و مرد اسم ندارند؛ زن از آن بابت که به شناسه همسرش شناخته می‌شود و مرد که انگار نماینده یک تاریخ است و نیازی به نامی مشخص ندارد. و حالا با رفتن این مرد، تنهایی و انفعال مضاعف، سرنوشت زنی است که درکش از زیستش، بیشتر از هر چیز، بر پیشینه این کج‌دیوار رابطه استوار است. مرد در این پیوستگی دلیلی نمی‌بیند که حتی توضیح بدهد چرا برای مدتی طولانی رهایی می‌کند و به مسافرت خارج از کشور می‌رود و نهایت حرفش می‌شود این که: «سفر تفریحی که نمی‌روم.» مسلم است که بخشی از این ادعای بر حق بودن ذاتی مرد، به تن دادن زن برمی‌گردد و مجاب کردن خود توسط خود. ارتباط در شیلاندر فقط بحث یک اشتباه نیست، کاملاً نگران‌کننده‌است؛ شخصیت اصلی در این قصه هویت فردی را نه‌ایمی‌داند و در بیان احساسات، به خود به مثابه یک غیریت می‌نگرد؛ شخصیت اصلی در خودش غایب است و نه تنها نمی‌تواند بر تنهایی اش چیره شود، بلکه با وجود دانستن، با واگویی‌هایی منفعلانه برای مدارایی بی‌فایده دلیل می‌تراشد. واقعیت این است که این گونه ناتوان وارد زندگی دیگری شدن، نه تنها چیزی به تو اضافه نمی‌کند، که هر آنچه را داری ویران می‌کند و از تو می‌گیرد، و سال‌های سال است که زنان زیادی همان زندگی



عکس نوشت

۴۶ سانس اضافی برای بازدیدکنندگان؛ بازبودن ۸۱ ساعت یکسره در ب‌های نمایشگاه به روی مخاطبان، شمار روزانه بازدید ۱۰هزار نفره و... اینها امار و ارقامی است که از ایجاد رکورد جدید بازدیدکنندگان موزه «لور» پاریس خبر می‌دهد؛ ارقامی که باعث شگفتی مدیران این موزه هم شده‌است: «حیرت‌آور است که یک هنرمند ایتالیایی رسانس حتی پس از گذشت ۵۰۰ سال از درگذشتش هنوز حیرت مردم عادی را برمی‌انگیزد.» نمایشگاه بزرگ لنوناردو داوینچی به مناسبت گرامیداشت پانصدمین سالروز درگذشت این هنرمند چیره دست رسانس برگزار شده و یک رکورد جدید از تعداد بازدیدکنندگان را برای این موزه مطرح رقم زده‌است. ۷۱،۸۴۰ نفر از سراسر جهان برای تماشای این نمایشگاه کم‌نظیر آثار داوینچی از «لور» بازدید کرده‌اند. این رکورد با ۵۴۰ هزار نفر بازدیدکننده پیش از این به نمایشگاه «اوژن دولاکرو» در سال ۲۰۱۸ تعلق داشت.



برای واقعیت کسی پاسخی ندارد، فقط نگاهش می‌کنند، به تماشایش می‌نشینند، در سکوت با دیگری تقسیمش می‌کنند، ترجیحا در سکوت.

ایزابیل پروژ کرستین بوبین پرویز شهیدی

موسیقی فجر پخش شد: «مشریه‌ای برای پرواز ۷۵۲» اثر لوئیس چکناوریان؛ قطعه‌ای ارکسترال و آوازی که برای سوگ عزیز و عزیزیانی ساخته می‌شود. مهم‌ترین نمونه رکونیت به موتسارت تعلق دارد و به گفته ارفائل پیشون (Raphaël Pichon) هنرمند فرانسوی و رهبر ارکستر، رکونیم حکم مراسمی را دارد که برای زندگان و بازماندگان برگزار می‌شود. در قطعه چکناوریان رنج هست، درد هست، شیون هست، اضطراب و هراس از فاجعه هست و همه واکنش‌های انسانی در مقابل رخدادی دردناک. با این تفاوت که همه این واکنش‌های انسانی طبیعی در برابر رنج به شکل اثری هنری بروز می‌کند؛ اینچنین که هنرمند با خلق اثر متأثر از واقعیت و رنجی واقعی و بیرونی، رشد می‌کند و در این رنج، جان خویش را صقیل می‌دهد و در عین حال دیگران را هم میهمان دریافت درونی خویش می‌کند. او اینچنین ذات هنرمند خویش را از اثر ادعای هنری متمایز می‌کند. هنرمند رخداد بیرونی را عمیقاً درک کرده و به‌دور از هر واکنش شتاب‌زده‌ای آرام آرام آن را درون خویش می‌برد و در عمق جانی متأثر از واقعه بیرونی، به خلق می‌اندیشد. در آثار از‌شمنند و قابل تأمل دنیا و در سراسر تاریخ هنر و ادبیات، رنج و هنر چنان به یکدیگر آمیخته‌اند که برخی وجود رنج را لازمه خلق اثر می‌دانند و گواه اعتقادشان تعداد بی‌شمار این آثار است. خواه این امر حقیقت داشته باشد خواه نه، هنر می‌تواند از رنج به خلقی جاودان نائل آید.

گواه ادعایمان هم شعر انتخاب شده برای رکونیم چکناوریان است که خود بیانگر نوعی رنج درونی شده‌است؛ رنجی که شاعری قرن‌ها پیش آن را زیسته و به زیور طبع آراسته‌است: شورش بلبلان سحر باشد/ خفته از صبح بی‌خبر باشد تیرباران عشق خوبان را/ دل شوریدگان سپر باشد عاشقان شگفتان معشوقند/ هر که زنده‌است در خطر باشد عاقلان از بلا برهیزند/ مذهب عاشقان دگر باشد پای رفتن نماند سعدی را/ مرغ عاشق بریده‌تر باشد. (سعدی)



بیماری کرونا هر روز یک ماجرا و داستان جدید دارد. یکی دو روز گذشته خبرهای غیررسمی درباره افزایش قیمت زنجبیل و لیموترش شنیده می‌شود چون در نسخه‌های خانگی مصرف این دو برای پیشگیری از کرونا توصیه می‌شوند. کاربران زیادی از افزایش قیمت لیموترش و زنجبیل می‌نویسند و در کنار گرانای ماسک و مواد ضد عفونی‌کننده به آن می‌پردازند. ضمن اینکه خیلی‌ها هم این مسأله را مطرح می‌کنند که مفید بودن مصرف اینها در مقابل بیماری کرونا اصلاً ثابت نشده‌است: «اینجا زنجبیل تازه کیلویی ۳۵ بود که الان بالای صد فروش میره. لیموی درجه یک کیلویی ۲۰ بود که الان اصلاً نیست بخوای بخری. سیر خشک کیلویی ۱۲ تومن بود که الان شصت هزار تومن فروش میره. سیر تازه ۶ تومن بود و الان ۱۵ فروش میره.»

«زنجبیل ۵۰ تومن بود و شده ۱۵۰ تومن، وقتی می‌خریدم چند نفری پرسیدن چیه و باهاش چه می‌شه کرد؟ گفتم این مصرف عادی منه و توی غذا می‌ریزمش، پرسیدن خوشمزه هم می‌شه؟»

«زنجبیل کیلویی ۱۵ تومن شده کیلویی ۷۵ تومن، قیمت سیر نفری پرسیدن چیه و باهاش چه می‌شه کرد؟ گفتم این مصرف عادی منه و توی غذا می‌ریزمش، پرسیدن خوشمزه هم می‌شه؟» «اگه به سیر و زنجبیل بود چینی‌ها اصلاً نباید کرونا می‌گرفتند! هرچی می‌خورن سیر و زنجبیل داره این طب سنتی‌ها رو اصلاً نمی‌فهمم لاقل واسه چیزی بازاریابی کنن که مثال نقضش اینتشر دم دست نباشه!» «متأسفانه در این حوزه ما با دومشکل عمده طرف هستیم ۱. بی‌انصافی برخی فروشنده‌ها در قیمت‌گذاری روی کالایی که می‌خوان بفروشند ۲. عدم نظارت جدی، قاطع و مستمر مسئولان سازمان تضریرات بر گران فروشی فروشنده‌ها» «دو سه روز پیش یکی اومد صندوق زنجبیل میوه فروشی محل ما رو به جا خرید و برد!»

«این شرایط شرایطی نیست که بخوام یا گران فروشی و انبار کردن کالاهای بهداشتی به فکر جیبمون باشیم» «پس از شایعات منتشر شده در فضای مجازی زنجبیل به کیلویی ۱۲۰ هزار و لیمو ترش و سیر تازه به کیلویی ۵۰ هزار تومان رسید.» «مطابق منابع علمی و سازمان جهانی بهداشت هیچ غذایی در کاهش احتمال ابتلا به کرونا مؤثر نیست.» «کی به ملت گفته زنجبیل بخورن؟!» «ویتامین C هیچ تأثیر مثبتی در جلوگیری یا درمان کرونا-ویروس ندارد! همون مقداری که از گوجه فرنگی با پیاز خوردن وارد بدنتون میشه کافیه. بیخود مکمل ویتامین C یا لیمو روبه قیمت‌های گزاف نخرید. لیمو کیلو ۵۰ هزار تومن؟» «طلا گرون شد، ماشین گرون شد، لیمو ترش گرون شد. زنجبیل گرون شد. ماسک احتکار و گرون شد. الکل و ژل ضدعفونی‌کننده احتکار و گرون شد. دیگه تا ابد نمیخوام از فرهنگ مون چیزی بشوم.»

«هیچ می‌دونستید این نسخه‌های مسخره‌ای که از خودتون درمیارید یا به دکتر سمعیی برای مقابله با کرونا نسبت میدید قیمت هارو بالا برده؟»

«دیشب خانومی اومده بود، برای پیشگیری از کرونا، به بطری عرق نعنا و دارچین و زنجبیل و عرق نمیدونم دیدم چیچی با سیر رو باهم قاطی کرده خورده. با تهوع شدید اومده. این معجونه فقط کارش این بود بکشوندت درمانگاه که کرونا بگیري.»

«در کنترل بازار همیشه ضعیف بودیم از پوشک بچه و رب و مارکونی گرفته تا ماسک و ژل ضدعفونی و دستکش که الان حیاتی هستند. این چه شیوه کنترل بازار است که طی دو روز لیموترش بیش از صدپنجاه درصد افزایش قیمت پیدا می‌کند؟»